

از شله خوری با فردوسی تا نقاشی روی نقش رستم

آمار عجیب از بودجه میراث فرهنگی کشور؛ به ازای هر بنای تاریخی ۱۰۰ هزار تومان اعتبار



هفته گذشته در تلویزیون، یک مدیر میراث فرهنگی و گردشگری اعلام کرد به ازای هر بنای تاریخی در کشور، حدود ۱۰۰ هزار تومان اعتبار داریم که گاهی مجبور می شویم از بودجه بعضی جاها بزنیم و خرج جاهای دیگر کنیم. اینکه ماشالا هزار ماشالا بنای تاریخی زیاد داریم در مملکت، دلیل نمی شود که بودجه اش هم این قدر کم باشد. نشستیم حساب کردیم که با این پول برای آثار تاریخی کشور چه کارهایی می شود کرد.

واگذاری شور

یکی از راه های معمول در نگهداری از بناهای تاریخی، واسپاری آن ها به بخش خصوصی است؛ به این صورت که با آن ۱۰۰ هزار تومان یک آگهی در سایت دیوار سنجاق کنند و مثلاً بنویسند «یک کاخ ۲ هکتاری در محدوده فلان شهر، ویو ابیدی، با ده ها اتاق آینه کاری و چندین سرویس بهداشتی و حمام و کلیه لوازم، به مدت یک سال برای برگزاری مراسم اجاره داده می شود». در آن صورت وقتی پیمانکار آنجا را اجاره کرد، هم یک باری از روی دوش میراث فرهنگی برداشته می شود و هم درآمدزایی است. مثلاً می توان داخل باغ آرامگاه فردوسی یک شله کده سنتی زد تا هم از بنا حفاظت شود و هم مسافران با این غذای اصیل مشهدی آشنا شوند.

نصب سطل آشغال

یکی از کمبود های بناهای تاریخی کشور، نبود سطل زباله است. مثلاً بازدیدکننده در عالی قاپوی اصفهان نمی داند که پوست پفک یا بطری خالی دوغش را کجا بیندازد و مجبور می شود آن رالای در زهای بنا قرار دهد. یا گردشگران بازار وکیل شیراز کجا باید کاسه فالوده و لیوان شربت نسترنشان را بیندازند؟ با این بودجه می توان برای هر مکان یک سطل آشغال خرید تا از نظافت آنجا حفاظت شود.

یک کاسه کردن

یک راه دیگر این است که بودجه همه مکان های تاریخی کشور را جمع کنیم و بدهیم به یک مکان. از قدیم گفته اند «یک ده آباد بهتر از صد شهر خراب». مثلاً همه بودجه را بدهند به تخت جمشید تا برایش سقف بگذارند که از باد و باران نیابد گزند. یا همه پول ها را یک کاسه کنند و بقیه بنای امیرچخماق یزد را تکمیل کنند تا مسافران فقط برای دیدن یک دیوار خالی به آنجا نروند و بقیه هم داشته باشد.

جمع آوری ضایعات

راه دیگری که به ذهن بیمارمان... بیخشید، به فکر خلاقان می رسد، این است که با همان پول، امکانات رفاهی آثار باستانی را تکمیل کنند. مثلاً ۱۰۰ تومان را بدهند چند متر طناب بخرند و دور بیستون بکشند تا بازدیدکننده برای دیدن کوه هم بلیت بدهد. یا کیسه پلاستیکی بخرند و به هر بازدیدکننده سی و سه پل بدهند تا برود کف زاینده رود و زباله ها را جمع کند و بعد بدهند به بازیافت و درآمدزایی هم بشود.

بان من خراب کن

و در آخر می شود آن ۱۰۰ تومان را خرد کرد و دم در بناهای باستانی به هر بازدیدکننده یک اسکناس بدهند و قسمش بدهند که مواظب بنا باشد. شاید این طوری وجدان بعضی ها تکان بخورد تا روی نقش رستم اسمشان را ننویسند و آجرهای قلعه رودخان را یادگاری برندارند و گل های کاخ گلستان را برای قلمه زدن از ریشه دریاورند و پای درختان بلوط هیرکانی آتش کباب روشن نکنند.

صفحه ۵
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

باهوش باشید

زمانه عوض شده است. اگر خدای نکرده قرار است سراغ تقلب بروید، شیوه های جدیدش را یاد بگیرید! از کف دست یادداشت کردن گرفته تا کدگذاری با سرفه و عطسه، راهکارهای جدیدی است که اگر در اختراعات علمی به کار می رفت، اکنون کرات دیگر را در نور دیده بودیم!

دعا کنید

در ایام امتحانات، حجم دعاها بیشتر می شود. دانشجو با همان جدیتی که پیش تر درس نخوانده است، اکنون در نیایش می کوشد. فقط حواستان باشد از جان و دل کمک بخواهید؛ راه دوری نمی رود!

برنامه ریزی کنید

آخرین جلسه امتحان همواره با وعده «از ترم بعد جدی می خوانم» پایان می یابد؛ وعده ای که عمری کوتاه تر از عمر یک گل دارد. این بار که گذشت، اما شما را جان عزیزانتان، همین اول ترمی برای امتحانات بعدی دست از سر قهوه ساز و نامه نوشتن پای برگه امتحانی بردارید!

